



۴۱

# سوسیالیسم امروز

۲۴ مارس ۲۰۱۸ - ۴ فروردین ۱۳۹۷

[www.simroz.org](http://www.simroz.org)

[S\\_zijji@yahoo.se](mailto:S_zijji@yahoo.se)

سرود: سلام زنجیری

**اولویت طبقه کارگر  
پایان دادن به این زندگی مشقت بار است!**

صفحه ۴

**سال ۱۳۹۶، سال اعتراض و اعتصاب کارگری  
پیش بسوی یک سال پربارتر**

صفحه ۹

**اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند  
(قران را به زبان مادری بخوانید)**

صفحه ۱۱

**شرکت فعالین حزب سوسیالیست انقلابی  
در سمینار رهبری "پی ی د" در سلیمانیه**

صفحه ۵

**رژه روی فرش قرمز عبدالله مهدی  
کومیک و تراژدیک**

صفحه ۱۰

**در اولین روز سال نو  
کابل شاهد خونبارترین حمله انتحاری شد**

صفحه ۱۲

**قدرت بدتر است یا ثروت؟**

صفحه ۶

**۱۴ ماه حقوق و ۳ سال عیدی مان  
را دریافت نکرده ایم**

صفحه ۷

**بیانیه حزب سوسیالیست انقلابی ایران  
تصمیم ضد کارگری دولت و  
شورای عالی کار لغو باید  
گردد!  
علیه یورش گستاخانه به  
معیشت و دستمزد کارگران در  
سال ۹۷ متحد شویم!**

آن وحشت و جنایتی که نمی بایست اجازه میدادیم علیه زحمتکش ترین و کارکن ترین قشر جامعه در قالب ارگان مزدور و ضد کارگری به اسم "شورای عالی کار" دوباره اتفاق به افتاد، در آخرین ساعات پایانی سال ۱۳۹۶ و آغاز سال جدید ۱۳۹۷ به عنوان مخوفترین هدیه نوروزی اتفاق افتاد و چون پتکی بر سر میلیونها کارگر و فرزندان آنها فرود آمد!

تصمیم جنایتکارانه ی که بدون تردید بیش از هر جنگ گرمی عواقب ضد انسانی علیه سازندگان جامعه و از جمله فرزندان آنها به همراه خواهد داشت. در طول عمر نظام فاسد سرمایه داری- اسلامی، شاهد بی وقفه چنین یورشهای جنایتکارانه ی در پوشش "قانونی" و غیر قانونی به معیشت و سفره خالی کارگران و زحمتکشان و از این طریق تعرض و کنترل مستمر آزادی عمل، تشکل یابی، تحرک مبارزاتی، امنیت و آرامش اکثریت جامعه، از جمله زندگی و تحرک مبارزاتی بیش از ۵۰ میلیون کارگر و خانواده کارگری شاهد بوده ایم. این شرایط هولناک هر بار با خود در ابعاد میلیونی بیکاری، اعتیاد، کودکان کار و خیابانی، خود کشی و افسردگی وسیع، گسترش زندگی سخت حاشیه نشینی، محرومیت گسترده از تحصیل،

صفحه ۲۴ ←

**کارگران جهان متحد شوید!**



اما هنگامی که با وجود همه این فاکتورهای نارضایتی و هشدار دهنده دوباره شاهد تحمیل چنین سطحی از تعیین حداقل دستمزد بردگی هستیم، گواه بر چند روند پایه ای تر سیاسی-اقتصادی نظام سرمایه داری و دولت حاکمه ایران دارد: تداوم عزم راسخ نظام حاکم جمهوری اسلامی در تحمیل باز هم ارزانترین نیروی کار کارگر، به قهقرا بردن هر چه بیشتر زندگی طبقه کارگر در جهت سود آوری بیشتر

سرمایه داران، نجات نظام بحرانی خود از راه تحمیل باز هم بیشتر ریاضت کشتی اقتصادی، و نیاز مبرم تامین هزینه خیل دستگاههای عریض و طویل مفت خوران مسلح سرکوبگر و تروریست، دستگاههای مذهبی و حکومتی از کانال سودآوریهای کلانی که از قبل کار حاصله از فعالیت شبانه روزی "ازادانه" و اما کاملاً برده وار دهها میلیون انسان محکوم شده به موقعیت فرودست بردگی که همکاران خود رژیم نیز میگویند: "ارزان ترین دستمزد و نیروی کار جهانی در ایران وجود دارد".

چنین یورش گستاخانه ای به هستی خانواده های کارگری همزمان گواه بر واقعتهای بدهی دیگری نیز هست، از جمله: هدف پایه ای تر رژیم اسلامی در تحمیل چنین موقعیت فرودست اقتصادی علاوه بر اهداف نامبرده شده اساساً به هدف مقابله و ممانعت از عروج سیاسی، تشکیلیاتی مستقل از دولت، متحزب شدن و اتکا به مبارزه آگاهانه و طبقاتی کارگران نیز هست، به هدف بازداشتن کارگر از پیشروی و آینده بهتر ترسیم کردن و نگاه داشتن او در دفاع از گذشته سرکوب شده و "دستمزدهای معوقه" خود، و چشم در راه نهادهای ضد کارگری مانند خانه کارگر و شورای اسلامی و انجمن صنفی ها نگاهداشتن نیز هست. و بلاخر مجازت دوباره فعالین و رهبران عملی و سوسیالیست دربند و بیرون زندان هم هست که گویا آنها توانایی مقابله با رژیم در "عرصه کارگری" را نیز ندارند! ورژیم و اوباشش هر چه بخواهند علیه جامعه و علیه کارگر انجام میدهند.



**۱۴ ماه حقوق و ۳ سال  
عیدی مان را دریافت نکرده ایم؛  
حق بیمه کارگران واریز  
نمی شود.**

### تصمیم ضد کارگری دولت و ...

کارتون خوابی، کولبری، و دهها پدیده درد آور و معضل اجتماعی دیگر به همراه داشته است. در حالی که این نظام عمیقاً مسلمان خداپرست و حامی سر سخت سرمایه داران زالو صفت، ثروت و سامان عظیم یک مملکت بزرگ را، که ناشی از تلاش و دسترنج خود کارگران و زحمتکشان میباشد، در ابعاد میلیاردها تومان و دلار هر روز "اختلاس" میکنند، و در خارج و داخل کشور در ابعاد به مراتب بیشتری مشغول سرمایه گذاری اند، یا ثروت بزرگ کشور را هزینه آدم کشی و تروریسم و حماقت شیعه گری در چند کشور همجوار می نمایند. و برای حفظ بقای این سیستم دزد و فاسد و انگل و مستبدانه، با همان پول باد آورده ناشی از کار کارگران و زحمتکشان کارکن محکوم به زندگی چهار برابر زیر خط فقر، یک مشت اوباش تهی شده از حداقل اخلاق و وجدان انسانی شبیه خود را نیز مسلح و اجیر کرده اند تا در کمال وحشیگری و وقاحت از عاملین و سازماندهندگان سیستم ظالمانه حاکم و این نوع تصمیمات عمیقاً ضد انسانی علیه کارگران و شهروندان دفاع و حراست نمایند.

بدین ترتیب متأسفانه امسال نیز در غیاب یک عکس العمل اعتراضی-عملی جدی متحد و گسترده طبقاتی از جانب جنبش ما علیه شورای عالی کار و دولت بورژوا-اسلامی در باره امر مهم افزایش حداقل دستمزد، دشمنان ما دوباره توانستند بعد از ماهها عوامفریبی و زمینه سازی و پروپاگاند عوافریبانه "۲۰ درصد افزایش دستمزد"، "حداقل دستمزد یک میلیون و ۱۱۵ هزار تومان" را، که با پیشنهاد مستقیم کافرمایان در شورای عالی کار طرح و با "توافق" بقیه خدمتگذاران جمهوری اسلامی عضو در آن شورای مضحک دولتی به سر انجام رسانده شد، علیه سرنوشت دهها میلیون انسان به "تصویب" برسانند. تصمیمی که جز بیشرمی و گستاخی و جنایت آشکار در حق طبقه کارگر ایران نمیتوان نام دیگری بر آن نهاد! این تصمیم یک جانبه دولتی-کافر فرمایی علیه طبقه کارگر ایران در شرایطی گرفته میشود، که نه تنها دهها نهاد و تشکل و جریان کارگری غیر دولتی و افکار عمومی طبقه کارگر ایران خواهان حداقل ۵ میلیون تومان بودند و هستند، حتی خود نهادهای ضدکارگری-دولتی مانند شورای عالی کار نیز هزینه سبد معیشت خانوار دو میلیون و ۶۴۵ هزار تومان، و همچنان از جانب "دبیر کل انجمنهای صنفی" سبد معیشت ماهانه یک خانوار سه میلیون ۷۰۰ هزار تومان اعلام شده بود. یا حتی از جانب یکی از سر دستهای ضد کارگری دیگری مانند "حسن صادقی"، رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری"، گفته میشود "پائین ترین درآمد و حقوق در جهان را کارگران ایران میگیرند"، و به نظامش هشدار میدهد: "اگر هوشیار نباشیم ما را به دیوار میکوبند"، و.. اما درب جمهوری اسلامی بدون توجه به این هشدارها و فشارهای بیرونی و درونی خود همچنان بر پاشنه ضد کارگری عمیق خود میچرخد!

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

بیانیه حزب سوسیالیست انقلابی ایران در باره  
حداقل دستمزد سال ۹۷

## حول مطالبه "افزایش حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان" متحد شویم!



مهمترین نبرد امروز طبقه کارگر ایران: گرفتن حق حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان

متأسفانه باید در انتظار پس رفت و دادن قربانی و درد و مشقات به مراتب بیشتر جنبشمان در مقابل این یورش بسیار گستاخانه به طبقه و مبارزه خود باشیم!

از فعالین عملی، پیشرو و سوسیالیست طبقه کارگر می‌خواهیم با اتکا به سیاست و پرچم سوسیالیستی متحد کننده طبقاتی خود، با احساس به مسئولیت تاریخی و طبقاتی و پرهیز از هر شکلی از فرقه گرایی و خود محور بینی و تک روی، از مطالبه واحد نهادهای، سندیکاهای و تشکلهای کارگری در این رابطه به عنوان اهرم نیرومند متحد طبقاتی بهره بگیرند، از شرایط سیاسی-اعتراضی جاری در کشور بهترین استفاده را نموده، و جنبش ملیونی طبقه کارگر را حول مطالبه واحد مبنی بر "نه" به تصمیم جنایتکارانه شورای عالی کار و دولت، و پافشاری بر افزایش دستمزد به میزان ۵ میلیون تومان، تلاش نمایند یک جنبش قدرتمندی را در این راستا به حرکت در بیاورند. روشن است که نباید فقط به اطلاعیه دادن اکتفا نمود. ضروری است فوراً ملزومات و اقدامات عملی چنین جنبشی و تدارک اعتراض و تحصن و اعتصاب گسترده و به هم پیوسته ی را در مراکز مختلف و با هدف تحمیل حق بدون چون چرای خود و عقب نشینی کردن به نظام فاسد و ضد کارگری اسلامی، و شورای عالی کارشان فراهم نمود. حزب سوسیالیست انقلابی با تمام قدرت در قدم به قدم این مبارزه همراه با کلیه فعالین و تشکلهای مبارز و رادیکال و پیشرو و سوسیالیستی حضور خواهد داشت!

ما همه مخالفین تصمیم جنایتکارانه دولت و شورای عالی کار علیه معیشت و حداقل دستمزد کارگران و همه کارگران و نهادهای مدافع مطالبه ۵ میلیون تومان حداقل دستمزد را صمیمانه فرامیخوانیم متحدانه به میدان بیایند و خطیر بودن شرایط جنبشمان را بیش از پیش درک نمایند. ضروری است فوری حول مطالبه واحد اعلام شده خود بدون درنگ و در هماهنگی با همدیگر اقدامات عاجل و لازم علیه تصمیم ضد کارگری دولت و شورای عالی کار صورت بگیرد. در این راستا باید متحدانه به منظور به میدان آوردن کلیه کارگران به اعتراض و اعتصاب علیه آن تصمیم و شرایط فلاکت باری که به ما تحمیل گردیده است با درایت و مسئولیت پذیری که انتظار می‌رود دست بکار شد.

تصمیم ضد کارگری دولت و شورای عالی کار لغو باید گردد!

زنده باد اتحاد کارگری برای گرفتن حق حداقل ۵ میلیون تومان دستمزد!

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران!

زنده باد آزادی و برابری، زنده باد سوسیالیسم!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

Iransocialist2017@gmail.com

## تصمیم ضد کارگری دولت و ...

این رژیم بسیار با تجربه در اعمال جنایت و سرکوب و تحمیل گرسنگی به کارگران به شدت از کارگر متشکل و متحزب و سوسیالیست و آگاه می‌ترسد! اولین خطر و دشمن واقعی خود را همین صف آگاه و سوسیالیست و کمونیست درون طبقه میدانند! و واقعا هم ما اولین خطر و اولین دشمن نظام جانی جمهوری اسلامی و سرمایه داری هستیم! در نتیجه تحمیل هر ساله حداقل دستمزد چهار تا پنج برابر زیر خط فقر یک اقدام کاملاً برنامه ریزی شده و آگاهانه دولت و سرمایه داران علیه طبقه کارگر و کارکنان جامعه نه فقط به هدف سود آوری و ریاضت کشی اقتصادی که هدف سیاسی نیز یک رکن مهم چین یورشی را تشکیل می‌دهد. چنین استراتژی نه از کانال نمایش مضحک شورای عالی کار و دروغ بافی "سه جانبه نگری"، که مستقیماً از اتاق دفتر ریاست جمهوری و بیت رهبری از قبل آماده میشود و از کانال امثال "وزیر کار" که ریاست "شورای عالی کار" را نیز بر عهده راند، مسیر مهندسی شده و فریبکارانه و مقدماتی آنرا به پیش می‌برند! اما چنین موقعیت و اقدامات جنایتکارانه و اعلام جنگ آشکار و نهانی علیه طبقه کارگر را باید بسیار جدی تر گرفت! و تنها و تنها با اتخاذ سیاست روشن سوسیالیستی، اقدام متقابل سازماندهی شده آگاهانه و جسورانه و متحدانه خود طبقه کارگر و زحمتکشان ایران میتواند پاسخ شایسته خود را بگیرد!

رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی و رهبر شیاد ضد کارگری نظامشان، در مقابل مبارزه حول افزایش دستمزد و دیگر اعتراضات بخش های مختلف جنبش کارگری در گوشه و کنار ایران می‌خواستند وانمود کنند که صدای کارگران را شنیده و در فکر چاره اندیشی هستند و از این طریق کارگران را در انتظار نتایج اقدامات از بالا و چانه زنی نهادهای ضدکارگری نگه دارند و زمینه را برای به انحراف کشاندن مبارزات کارگران حول افزایش دستمزدها آماده کنند. اکنون که تمام تلاشهایشان با کمک نهادهای ضد کارگری وابسته به خودش به پایان رسیده و نتیجه آن باز هم تحمیل زندگی چند برابر پایین تر از خط فقر است، نه فقط دم خروس حقه بازی خامنه ای و دولت و وزیر کار و نظامش برای صدمین بار بر ملا گردید، که درس بزرگی برای کارگران و فعالین آن نیز هست که نباید در مورد ترفندها و ماهیت ضدکارگری سیاست های دولت جمهوری اسلامی و نهادهای وابسته به آن هیچ تردیدی به خود راه دهند، نباید به هیچ ارگان و امام جمعه و جناح و شخصیت فاسدی در این رژیم مراجعه کرد و امید وار بود! باید به خود قیولاند که مبارزه سخت تر و متحد تر و مستقل تری علیه چنین نظامی ضروری است، یک مبارزه مستقل طبقاتی و سوسیالیستی! باید با قاطعیت هر چه بیشتر صف سوسیالیستی-کارگری را علیه همه ارکان این نظام ضد کارگری و ضد انسانی سازمان داد و به میدان آورد!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران بر ضرورت مبارزه واحد کل طبقه، از جمله مبارزه واحد کلیه نهادها و تشکلهای کارگری داخل کشوری که بیانیه مشترک مطالبه ۵ میلیون تومان را داده اند و به آن متعهد هستند، می‌خواهد با تمام قدرت برای اعلام یک "نه" بزرگ به تصمیم شورای عالی کار دولت بورژوا-اسلامی، و برای تحقق افزایش حداقل دستمزد به میزان ۵ میلیون تومان به میدان بیایند. کارگران تحمیل "قانونی" گستاخانه دستمزد بردگی سال ۹۷ دولت و شورای عالی کار علیه خود نباید بپذیرند! جنبش ما اگر در این عرصه نتواند گام جدی بردارد، اگر نتواند سر دولت و شورای عالی کار و نهادهای وابسته به آنها را "به دیوار بکوبد"،

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران!



## اولویت طبقه کارگر پایان دادن به این زندگی مشقت بار است!

ابراهیم باتمانی

جریانات پوپولیست و رفرمیست و اصلاح طلب و ناسیونالیست و ملی گرا و قومی و ..... یک رکن مهم پیشروی ما محسوب می گردد.

طبقه ما نباید به دام اینها به افتد این تفکر و جریانات در طول تاریخ از ما نبوده اند و نیستند. مگر همین جمهوری اسلامی به اسم دفاع از مستضعفین سر کار نیامد؟. خمینی جلاد مگر نگفت "خدا هم کارگر است" تا راه برای سرکوب و استثمار همین "خدا" یان واقعی را فراهم کنند و چهل سال است که آنان را میکشند و نانشان را نیز به گروه گرفته اند.

و بلاخره از همه مهم تر حزب است! کارگران بدون حزب سیاسی خود راه بجای نمی برد. طبقه ما باید صاحب حزب طبقاتی خود باشد. واقعیت جامعه ایران تحت حاکمیت نظام هار اسلامی به طبقه کارگر و حزبش حکم میکند که برای پیروزی خود باید جدی تر از هیاهوی مقاله نویسان صرف پوپولیست دنباله رو حوادث و "مردم" در این و آن حزب، که به تازگی هم فعالتر شده اند، وارد مبارزه سرنوشت ساز شوند. طبقه کارگر بدون حزب سیاسی - طبقاتی کمونیستی روشن و دختگر، بدون تشکل مستقل خود، بدون نیروی مسلح و رزمنده خود نمیتواند بر جمهوری اسلامی و طبقه حاکمه سرمایه داری در ایران پیروز گردد!

هر چند اوضاع امروز جهان و ایران به مراتب مبارزه ما را با بورژوازی سخت تر کرده است، اما همان تجربه سابق انقلاب اکتبر در روسیه سال ۱۹۱۷ نیز نشان داد که کارگران بدون حزب بلشویک به رهبری لنین و بدون دست بردن به نیروی مسلح و قهر انقلابی علیه تزار و ارتجاع مسلح پیروزی برایشان امکان پذیر نبود. الان نگاه کنید بورژوازی و یا اپوزسیون و احزابهای مختلف همه نه تنها حزب دارند که "حزب مسلح" را نیز دارند، در نتیجه کارگران و حزب کارگری اگر نخواهد قربانی شود، اگر نخواهد دوباره سال ۵۷ دیگری به زیان چپ و کارگر و آزادیخواهی تکرار گردد باید به همه این ملزومات جدی مبارزاتی خود فکر کند و عملا انرا سازمان دهد.

در هر حال به نظرم طبقه کارگری که با آگاهی سیاسی و طبقاتی روشن خود، تامین اتحاد و همبستگی، شناخت از حق و حقوق طبقاتی خود، دفاع جدی از برابری کامل زن و مرد، و اینکه خود را صاحب جامعه می داند و داشتن حزب رزمنده سوسیالیستی را شرط پیشرفت و پیروزی خود می داند، قادر به رقم زدن آینده تحولات ایران خواهد بود. در این صورت با قاطعیت میگویم میتوانیم پیروز شویم و قدرت را بگیریم و پیام آور آزادی و برابری و رفا و امنیت در ایران باشیم!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران دارای این سیاست و برنامه و پتانسیل میباشد و به این مبارزه و طبقه تعلق دارد!  
پیشنهاد میکنم حزب سوسیالیست انقلابی را از ان خود بدانید و به این حزب بپیوندید. از هر طریق برایتان امکان پذیر میباشد با حزب تماس بگیرید. در صورت تمایل و از کانال مناسب با من نیز از طریق این شماره تلفن میتوانید تماس بگیرید: 004792831376

فراهم کردن ملزومات و آمادگی لازم برای جنگ نهائی و سر نوشت سازی که خود جمهوری اسلامی با سرکوب و زندان و تحقیق و تحمل گرسنگی و بیکاری و سلب حداقل آزادیها و تشکل یابی به ما کارگران اعلام کرده است، مهمترین اولویت و ضرورت سیاسی و تاریخی جنبش ما است. جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر و کل طبقه ما اگر میخواهد خود و جامعه هشتاد میلیونی ایران را نجات دهد هیچ راه دیگری جز آماده شدن برای این نبرد هم جانبه سیاسی و طبقاتی جدی پیش روی خود ندارد. یا دست یافتن به یک زندگی مرفه و انسانی و برابر برای خود و ۹۹ درصد ان جامعه!، یا قبول کردن شرایط فلاکت بار کنونی و تداوم زندگی برده وار و تحقیر آمیزی که در طول این چهل سال به دست حکومت مافیا و دیکتاتور مذهبی و سرمایه داری به ما کارگران و جامعه ایران تحمیل شده است!

در بطن این مبارزه جدی طبقاتی باید کل طبقه را متوجه این واقعیت ساده کرد که نقش کلیدی او در تولید، او را در موقعیت نیروی اول پایان دادن به غده جمهوری اسلامی و پایان این همه استثمار و نابرابری قرار داده است! باید خود را صاحب ثروت و سامان و منابع طبیعی و سیاسی و اقتصادی ان مملکت دانست چون چرخ تولید و به تحرک در آوردن ان جامعه دست توی کارگر و زحمکش است! نه حاکمان موجود و مفتخور وبی نقش در تولید و سوخت ساز و جامعه. کارگران تولید میکنند آنها مصرف، کارگران برای جامعه کار می کنند آنها برای سرکوب و کنترل جامعه، کارگران برای عدالت و انسانیت آنها برای از بین بردن عدالت و انسانیت و اعمال حاکمیت یک مشت اقلیت انگل بر اکثریت جامعه!

نبايد زیر بار قوانین قانون کار و خانه کارگر و شورای اسلامی و کلیت جمهوری اسلامی رفت. نباید دستمزد هولناکی که دوباره بر ایمان تعین کرده اند بپذیریم. نباید قراردادهای موقت و سفید و به دستمزد کم و ساعات کار بیشتر تن بدهیم. نباید به تبعیض جنسیتی بین زن و مرد و حق و حقوق و ساعت کار و دست مزد و مزایای نابرابر در این زمینه تن داد! باید تلاش نمود ظرفهای مبارزاتی که منشا قدرت ما میتواند باشد سازمان داد. تشکلهای مستقل از دولت و ایجاد شوراهای منتخب کارگری و هر نوع تشکل دیگری که منتخب مستقیم کارگران در محل کار است باید تشکیل داد تا بتوان متحدانه به مبارزه برخواست.

قدرت طبقاتی ما در تشکل و آگاهی و داشتن خط سیاسی و صف مستقل طبقاتی روشن است. وجود تمایز سیاسی و طبقاتی خود به عنوان جنبش سوسیالیستی و پیشرو و آگاه طبقه کارگر با

	<a href="mailto:iransocialist2017@gmail.com">iransocialist2017@gmail.com</a>	<a href="http://www.simroz.org">www.simroz.org</a>	
	۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۶۱ /	۰۰۶۷۹۲۸۳۱۳۷۶ /	۰۰۶۷۶۲۲۳۹۶۸۳

**آزادی، برابری، رفاه، امنیت!**

## گزارشی از شرکت فعالین حزب سوسیالیست انقلابی ایران در سمینار رهبری پی‌دی‌در سلیمانیه



در تاریخ ۱۷ مارس ۲۰۱۸ (قبل از تصرف عفرین توسط ارتش فاشیست ترکیه و اسلاميون تروریست متحد سوریه ی آن) جلسه ای آکادمی سیاست و فکر دمکراسی، با شرکت تعدادی از احزاب و چهره ها و فعالان سیاسی کردستان عراق و کردستان سوریه و ایران، برای شاهرز حسن، دبیرکل پارت اتحادیه دمکراتیک (سوریه) در تالار هنر سلیمانیه برگزار شد. اوضاع عفرین و سیاست های پی‌دی‌در این سمینار مورد بحث قرار گرفت. در ابتدا توسط آقای شاهرز حسن و هیئت همراه اوضاع عفرین و سیاست های پی‌دی‌توضیح داده شد و بعد از آنها نماینده های احزاب و چهره ها و فعالان سیاسی سوالات و انتقادات و پیشنهادهای خود را از آقای شاهرز حسن و هیئت همراه او مورد بحث قرار دادند. در این سمینار از جمله حزب شیوعی، حزب زحمتکشان کردستان، جنبش آزادی و حزب سوسیالیست انقلابی ایران و چند جریان دیگر حضور داشتند. درکل در جلسه اوضاع عفرین بررسی شد و از طرف شاهرز حسن امید به احزاب و مردم داده میشد که در نهایت این عفرین و مردم کورد هستند که ارتش ترکیه را به زانو در خواهند آورد.

رفیق زاگرس ابراهیمی از جانب حزب سوسیالیست انقلابی در سمینار حضور داشتند و پیرامون موضوع سمینار سخنانی ایراد نموده و انتقادات و پرسشهای نیز از رهبری پی‌دی‌طرح کردند. متن شفاهی این سخنان همان روز از طریق شبکه اجتماعی فیس بوک و همچنین همراه با متن کتبی سخنرانی رفیق زاگرس ابراهیمی در سایت سوسیالیسم امروز پخش گردید.



[iransocialist2017@gmail.com](mailto:iransocialist2017@gmail.com)

[www.simroz.org](http://www.simroz.org)

۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱۰ / ۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶ / ۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳



حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانت علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و همه ارکان مذهبیش ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!

حزب سوسیالیست انقلابی را به دوستان خود معرفی کنید. در اشکال مختلف تاسیس حزب انقلابی خود و آرم و آدرسهای تماس با آن را در مراکز کارگری و میدین شهرها و محلات پخش کنید. در هر جا که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید.

از هر راهی که از نظر امنیتی مناسبتر میدانید با حزب تماس حاصل نمایید.

**زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!**

**بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!**

## قدرت بدتر است یا ثروت؟

کمال بوکانی

یادمه دوران راهنمایی بود که معلم ادبیات موضوعی برای انشا به نام علم بهتر است یا ثروت؟ به ما داد که در مورد آن باید چند سطر می نوشتیم.

سن زیادی نداشتم و کم تجربه بودم تا بتوانم موضوع به این مهمی را تشریح کنم که هنوزم با این سن و سال برایم سخت است ولی به هر حال برای کسب نمره باید این کار را انجام می دادیم .

قبل از اینکه شروع به نوشتن کنم برایم جالب بود آیا چیزی بهتر از ثروت هم می تواند وجود داشته باشد؟ خوب این چه موضوع انشای است که باید ما در مورد آن بنویسیم .

زیاد نیاز به فکر کردن نداشتم و به همین خاطر شروع به نوشتن کردم و از مزایای ثروت تا می توانستم تعریف کردم و برایش مثال های گوناگونی آوردم تا بتوانم بهتر معلم را توجیه کنم.

درست به خاطر نمی اورم ولی تقریباً یک صفحه و نیم شده بود که نوشته بودم ، روز بعدش به مدرسه رفتم تا انشای خود را بخوانم .

انشا خواندن به طوری بود که وقتی معلم اسم هر کسی را می خواند باید جلو تخته سیاه رو به دانش آموزان آن را می خواند .

چند نفر که انشایشان را از من جلو تر خواندند از مزایای علم نوشته بودند ولی همه ما و حتی معلم هم می دانستیم که اینگونه نیست و وقتی که من اعتراض کردم گفتم: پس چرا اینجا نشستی برو و به دنبال ثروت باش! از این جواب معلم اصلاً خوشم نیامد چون من سواد و دانش را برای انسان بودن و انسان زندگی کردن دوست داشتم و این هدف من از علم بود اینکه روزی با آن بتوانم کسب درآمد کنم اصلاً برایم معنی نداشتم .

نوبت به خواندن من شد رفتم و با حالت ترس شروع به خواندن کردم اما چه خواندنی!

وقتی شروع کردم و از مزایای ثروت و بی ارزشی علم در جامعه و اطراف و آنچه را که هر روز با آن مواجه میشدیم تعریف کردم تمام کلاس به همراه معلم من را مسخره کردن برایم جالب بود که آن ها از کجا آمده اند و چرا باید حقایق را برای چند نمره فراموش می کردند .

جالب بود برایم در میان همکلاسیهایم چند نفر را می شناختم که در خانواده خودشان چند نفر بیکار و تحصیل کرده داشتند به طوری اگر زمانی را که وقف درس و مدرسه کرده بودند را در راهکار و یادگیری شغلی انجام میدادند الان وضع آن نبود.

این مسئله سالیان سال در مغز من بود و کمتر میشد که به آن فکر نکنم .

کمی بزرگتر شدم به این نتیجه رسیدم که باید این جمله علم بهتر است یا ثروت را در مکان و کشوری جداگانه تعریف کرد. و بستگی به شرایط و اوضاع آن کشور و مکان دارد به طوری که در بعضی از کشور ها علم بهتر از ثروت است و اگر هم بهتر نباشد لازمه ثروت است. ولی در بیشتر کشورهای جهان سوم کسب علم نیازمند داشتن ثروت است .

موضوع بسیار قدیمی و پر از بحث که سالیان سال مهره ای بود برای بحث و حتی گاهی اوقات ساختن جوک .

اما در دنیایی امروزی ما تنها این رقابت بین علم و ثروت نیست که انسان ها با آن درگیر هستند بلکه در این زمان و موقعیت حساس جهانی که در هر طرف خبر کشت و کشتار و بی خیالی و بی تفاوتی جهانیان و انسان ها را مشاهده میکنیم به طوری دیگر مرگ و کشتار و بمباران و همچنین له شدن کودکان بی گناه زیر سقف خانهایشان که قرار بود مکان آرامش و آسایش آن ها باشد برای ما امری عادی است.

الان این سوال برایم پیش می آید که قدرت بدتر است یا ثروت؟ قدرت در این دنیا لازمه رسیدن به ثروت است به طوری در کشورهای مختلف برای اداره انسان ها از یکی از این دو روش استفاده می شود که هر کدام از حکومت ها از گفتن آن طفره می روند به طوری که هر کشوری قدرتمند تر باشد می تواند قوانین بین المللی را تنظیم کند و آنچه که خود می خواهد به عنوان قانون و آنچه را دوست ندارد و منفعت خودش را در آن نمی بیند به عنوان دشمن انسان ها معرفی کند که در این حالت کشور قدرتمند میتواند آنچه را برای بقای خودش و ثروت اندوزی بیشتر مفید است به صورت قانون در بیاورد.

در این بین کشورهای ثروتمند و افراد حاکم بر آن برای اینکه ثروت و آنچه را که تا الان به کمک این قوانین به دست آورده اند را از دست ندهند مجبور به قبول کردن آن هستند. هر چند اگر تمام مردم نیز با آن مخالف باشند و در آن به باورها و اعتقاداتشان بی احترامی یا بی توجهی شود چون طبق قانون آن ها برایت مشخص میکنند که تو باید به چی اعتقاد داشته باشی و باورهایت تا چه اندازه ای باشد و حتی کار به جای میرسد که می خواهند، اگر حتی به زور هم شده تو را به بهشت بفرستند و این گونه می شود که ما هر روز شاهد این شرایط هستیم.

امیدوارم اینبار هم مانند دوران راهنمایی مورد تمسخر قرار نگیرم چون متفاوت فکر کردن در دنیایی که حقیقت ها می تواند باورها و عقاید تحمیل شده را مورد چالش قرار دهد بسیار دشوار است به طوری که باید در هر کشوری که زندگی میکنی باورها و عقایدت را نسبت به آن کشور تنظیم کنی وگرنه جای برای زندگی کردن نمی توانی پیدا کنی.

حقایق اطراف ما هر روز روشنتر خودنمایی میکنند ولی انسانهای اطراف ما هر روز سخت تر به خواب می روند.

برای داشتن ثروت آنچه را که باور و عقیده است بر باد می دهیم تا به وسیله آن قدرتمندان بر ما چیره شوند و ما را بر آنچه که خود باور دارند هدایت کنند تا ثروتمندان در آرامش زندگی کنند. حالا به این نتیجه می رسیم که که قدرت از ثروت و ثروت از قدرت خطرناکتر است که همه آن ها از راه علمی که برایمان تعریف کرده اند سرچشمه میگیرد تا با آن نسل انسانهای آزاد را ریشه کن کنند.

ولی آزادی و آزادی در خونها جریان دارد و برای نابودی آزادی و چیره بر مردم و به برده گرفتن آن ها باید دنیا نابود شود تا دیکتاتور ها بتوانند خوابی راحت و آسوده داشته باشند .

سخت و محکمتر از همیشه در راه آزادی باید قدم گذاشت. مردان بزرگ همیشه انگشت شمار بودندند، با آزاد کردن خودمان از زرق و برق این دنیا و باور داشتن به آن که ثروتمندی آن است که چقدر میبخشی نه اینکه چقدر داری، شرایط را عوض میکند

زمینی من را ارزوست که در آن برابری و عدالت قانون شماره یک آن باشد

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!**





**تعیین حداقل دستمزد کارگران در صلاحیت نمایندگان منتخب کارگری است!**

حداقل دستمزد کمتر از ۴-۵ میلیون تومان برابر با تحمیل زندگی مجدد بردگی و تداوم استثمار وحشیانه کارگران از سوی دولت و کارفرمایان است.

**خانه کارگر، شوراهای اسلامی، انجمنهای صنفی و شورای عالی کار نهادهای کاملاً دولتی و ضدکارگری هستند!**

بیانیه حزب سوسیالیست انقلابی ایران در باره حداقل دستمزد سال ۹۷

# حول مطالبه "افزایش حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان" متحد شویم!



مهمترین نبرد امروز طبقه کارگر ایران: گرفتن حق حداقل دستمزد ۵ میلیون تومان



## سال ۱۳۹۶، سال اعتراض و اعتصاب کارگری پیش بسوی یک سال پربارتر

عزیز آجیند



برای نمونه میتوان به اعتراض کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز، تجمع کارگران و پیمانکاران راه آهن دورود، اعتصاب کارگران

کارخانه سیمان کارون، اعتصاب کارگران شرکت نیشکر هفتتپه، اعتراض کارگران آذراب اراک، اشاره کرد.

به جرأت سال ۱۳۹۶ را می توان سال اعتراضات کارگری و قشرهای محروم جامعه نام نهاد. روشن است که اعتراضات پراکنده بودند و به همین دلیل به یک ابزار فشار جدی بر رژیم و سرمایه داران تبدیل نشدند، اما کسی نمی تواند از گستردگی آنان و از اینکه از معدود صحنه های زنده ای از مبارزه و مقاومت برای تامین حقوق خود، در جامعه دیکتاتور زده ایران بودند را انکار کند. در واقع کمتر روزی از سال گذشته بدون اعتراض و تجمع کارگری در اشکال مختلف آن سپری شد. همگی این اعتراضات و اعتصابات منجمله خیزشهای دیمه در تاریخ مبارزات کارگران و قشرهای محروم جامعه در طی چند سال گذشته بی سابقه بوده است.

برخورد امنیتی و قضایی با فعالان کارگری، احضار و دستگیری آنان و زندانی کردنشان در ابعاد وسیع حکایت از ترس و نگرانی رژیم از گسترش این اعتراضات در ایران در سال گذشته را داشت.

مبارزات و اعتصابات کارگران در سال ۱۳۹۶ نشان داد که علیرغم ضعف ها و کاستی های موجود، از این ظرفیت برخوردارند که به نیرویی تأثیرگذار در صحنه مبارزات اجتماعی در ایران تبدیل شوند. آنچه که در اولین نگاه در این حرکات اعتراضی به چشم می خورد، افزایش میزان آگاهی معترضان است که در سازماندهی حرکات اعتراضی و در طرح خواست های آنان خود را نشان می دهد. همگی این مبارزات و اعتصابات، توان و اراده پولادین و ظرفیت جنبش کارگری و توده های را در سال گذشته و در روند روبه گسترش این مبارزات روزمره را نشان می دهد.

گسترش حرکت های اعتراضی در دوره گذشته، عملا فضای سیاسی جامعه را تحت تأثیر خود قرار داده است و رژیم نیز به همین اعتبار آنها را ارزیابی می کند و در قبال آنها سیاست اتخاذ می نماید. به کار افتادن ماشین آدم کشی جمهوری اسلامی، تشدید دستگیری و زندانی کردن فعالین کارگری و مدنی، از جمله اجزاء مختلف یک سیاست واحد هستند که جمهوری اسلامی با سرعت هر چه بیشتر آنرا عملی میکند.

اما در کنار حقایق فوق و گسترش مبارزات کارگری و اجتماعی علیه رژیم اسلامی هنوز از کمیود یک افق و آلترناتیو روشن سوسیالیستی واحد، اتحاد و همبستگی سراسری، اتکا به صف مستقل کارگری و آزادیخواهی، و دوری کردن کامل از جناحها و سیاستهای راست درون و بیرون رژیم رنج میبریم که باید در سال آینده، سال ۹۷، بر این کمیود جدی مبارزه ما علیه نظام جنایتکار اسلامی فائق آمد تا بتوان آینده روشنتر و پیروزمندانه تری را تضمین کنیم.

در سال پیش رو باید با تمام نیرو و امکانات، به استقبال جنبش اعتراضی موجود کارگران و مردم زحمتکش رفت. باید از این اعتراضها و اعتصابات کارگران حمایت و آنها را تقویت کرد. وظیفه فعالان کارگری و فعالان سیاسی و مدنی افشاندن بذر آگاهی طبقاتی و سوسیالیستی و متحد کردن کارگران و صفوف مردم زحمتکش زیر پرچم و اهداف سوسیالیستی است. با این امید که سالی پر موفقیت را داشته باشیم!

سال گذشته نیز همانند سالهای قبل، برای طبقه کارگر ایران، سال خوبی نبود، سالی توأم با مشکلات و حادثه های متفاوت و گاهها هم دردناک! سال ۹۶ سال دشواری های بیشتر زندگی مردم، سال چند برابر زندگی زیر خط فقر، سال بازداشت و پیگرد فعالین کارگری، سال گسترش بیشتر آسیب های دردناک اجتماعی، سال تشدید فشار بر فعالین جنبش های پیشرو اجتماعی، سال برپا بودن مداوم چوبه دار و اعدام و سال سرکوب و تشدید فضای امنیتی بر شهرها و سال خشونت و ریختن خون آزادیخواهان بود.

سال گذشته در عین حال سال اعتراض کارگری و اجتماعی به آن شرایط تحمیل شده از جانب نظام سرکوبگر جمهوری اسلامی هم بود. وقوع رویدادهای امیدبخشی در جنبش کارگری که خود را در اعتراض ها و اعتصاب های پر درس و تجربه نشان داد بود. در سال گذشته همچنین مردم آزادیخواه مرعوب تهدیدها و بگیر و ببندهای رژیم نشدند و روحیه مقاومت عمومی در زمینه های مختلف رو به گسترش بود که یک نمونه بارز آن را در دیمه و آخرین روزهای سال در برپایی جشن های چهارشنبه سوری و نوروز بود. برپایی گسترده این جشن ها، دهن کجی آشکار به تهدیدات رژیم در سراسر ایران به خصوص در شهر و روستاهای کردستان بود.

اعتراض ستمدیدگان و کارگران و زحمتکشان ایران که ریشه در فقر و فلاکت اقتصادی، و خشم و انزجار از اختلاس و دزدی های کلان مقامات حکومتی داشت به مانند جرقه ای در دوم فروردین سال ۱۳۹۶ علیه رژیم جمهوری اسلامی شعله ور شد و در دیمه و در روزهای پایان سال به خصوص با اعلام اعتصاب سراسری کارگران شرکت نیشکر هفت تپه به اوج خود رساند.

این اعتراضها علیرغم تهدید و سرکوب شکل تازه ای به خود گرفت و فصل تازه ای از مبارزه در بین جامعه کارگری ایران را گشود و همزمان به چالشی جدی برای حکومت ایران تبدیل شد.

اما همگی اعتراضات و خیزشهای هر روزه مردم در روزها و ماههای سال گذشته به هیچ وجه یک پدیده ناگهانی نبودند. شرایط مشقت بار زندگی کارگران و مردم محروم جامعه از مدت ها پیش زمینه همه این مبارزات و اعتصابات را فراهم آورده بود و روند رو به گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگران در مراکز بزرگ تولیدی و خدمات و حمل و نقل، مبارزات سراسری معلمان، مبارزات پیگیر زنان، اعتراضات مالباختگان، ابراز وجود دوباره جنبش دانشجویی و به حرکت در آمدن پتانسیل جنبش های خودجوش در سراسر ایران، امکان بروز هر اعتراض و هر تجمع و هر خیزشی را در جامعه ایران و در سال گذشته قطعیت بخشیده بود. کارگران و مردم زحمتکش ایران سالهاست از زندگی کردن در اعماق فقر، از بیکاری میلیونی و نبود امنیت شغلی، از به تعویق افتادن پرداخت دستمزدهای چند مرتبه زیر خط فقر، از گرانی سرسام آور کالاهای مورد نیاز روزانه، از پدیده کودکان کار، اعتیاد و گسترش دیگر آسیب های اجتماعی در میان اقشار پایین جامعه به ستوه آمده اند.

اعتراض های کارگری از ابتدای سال ۱۳۹۶ هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی تفاوت هایی اساسی با اعتراض های سال های قبل داشتند. اعتراض های کارگری در سال گذشته به دلیل فراگیر شدن شبکه های اجتماعی، بازتاب وسیعی در فضای مجازی داشتند و توجه رسانه ها و افکار عمومی را به وضعیت کارگران جلب کردند.

**نه قومی نه مذهبی، آزادی برابری**

## رژه روی فرش قرمز عبدالله مهدی کو میک و تراژدیک

حمید شعبانی

### جنبه تراژدیک

به جمعیت حاضران نگاه کنید ، "مردم عادی" و نیروی تشکیلاتی را میگویم.

فرض کنیم که تعدادی از این ها از این تشکیلات چون پلی برای رسیدن به اروپا از این تشکل استفاده/ سو استفاده میکنند ، اما روی بحث من به خاطر آن بخشی از این جوانان و مردم است که از لحاظ آرمانی تصور میکنند که به درست درون آن تشکیلات اند، اگر چنین است که هست پس چرا آنها به این تشکیلات رو میکنند ؟ چرا او اینجا شنونده و تماشاچی دارد؟

برای این باید چپ و نیروی سوسیالیست و سکولار و عدالتخواه به خودکامی بپردازد. ما چه افراد و چه تشکلهایی که خود را به این قطب متعلق می دانیم در این تراژدی مقصریم.

بیش از دو دهه و نیم چرا نتوانسته ایم که با کار و آموزش به شیوه علمی ( بویژه به لطف اینترنت) این جوانان و توده مردم کردستان ( فرض ام این است که همه کرد هستند) را اگر چه تعدادشان هم زیاد نباشد ، آموزش دهیم که متوجه باشند که این ها نه قابل تماشا کردن هستند و نه بودن در صفوف شان مایه فخر و افتخار است. هیچ ضرورتی ندارد اینها چند سال دیگر گونه های خود را چنگ بزنند که چرا نفهمیدند، لازم نیست به شیوه تجربی به این سطح از دانش برسند آنها ناقص و ناتمام.

شیوه هایی که متکی است بر ارتقا توقع این "تازه کار ها" از خودشان، علم مدیریت، نقش مشارکتی خودشان درون یک تشکل ، که در پرتو آن برایشان روشن و بدهی باشد که این سنتها به روز نیستند.

کار فرهنگ سازی که سیاست کردن را به شیوه ای مدرن به آنها یاد بدهد . پادشان بدهد که این فرد پرستی ها و خودشیفتگی ها مضموم است، که این تشریفات در خانه سیاست بازان و معامله گران سیاست راه و جا دارد . اینها مناسبات کهن و نه مدرن را به نمایش میکشد. و پیشیزی سنجیت ندارد با ذهنیت شهروند امروزی.

به آنها درس انسانیت و اخلاق مداری را بیاموزد و بیاموزد که انسانیت و رای همه چیز است، برای دفاع از انسانیت به دشمنان مردم پناه بردن معامله و بیز نس است. و بنام دیپلماسی و رابطه دیپلماتیک حقیقت کتمان نمیشود. به آنها این درک و معیار را بدهد که چرا این تشکیلات مراسم نوروز را آنهام در کردستان عراق را ، تا این حد سیاسی جلوه میدهد ، و این که تشریفات و اسکورت بازی چقدر حقیر و غیر سیاسی است. و مهمتر این که این سنتها را و تعلق اجتماعی- طبقاتی آن را بشناسند. در چنین سطحی از دانش و فرهنگ در میان جوانان اقشار و طبقات پایین در کردستان کسی از آنها برای این نوع از سیاست کردن نباید تره خرد کند و نخواهد

آنگاه اگر مهدی با همکلاسیهای طبقاتی- فرهنگی خودش ، با هم کیشان خود هر جور میخواهد مراسم بگیرد خود داند. تا رسیدن به این قله از فرهیختگی سیاسی و فرهنگی باید چپ مدرن و سوسیالیست امروزی به فکر چاره باشد که چگونه توده های مردم ، کارگر و زحمتکش را آموزش دهد .

که عارشان بیاید که با چنین مناسباتی تداعی شوند تا چه برسد به اینکه جزئی از آن باشند.

( سوسیالیسم امروز: این مطلب برگرفته از صفحه فیس بوکی رفیق حمید شعبانی است و مستقل از رابطه و تعلق سازمانی ایشان در این نشریه باز تکثیر میگردد)

به مناسبت نوروز امسال مراسم نوروزی در اردوگاه سازمان زحمتکشان کردستان ایران برگزار شد. عبدالله مهدی خود مشعل در دست ، به شیوه اغراق آمیز اسکورت مردانه شده است( زنان غایب اند) . او روی فرش قرمزی رژه میرود، گویا فقط خودش حق قدم گذاشتن بر آن را دارد چرا که محافظ هایش خارج از فرش او را اسکورت می کنند. انگار دارد حساب دستشان میدهد که از همین حالا بدانند که این نوع فرش ها برای خواص است . و برای رسیدن به این منزلت باید بندگی و عبودیت یادشان بماند.( کما اینکه او خود بنده سیاست حزب بارزانی است.)

نمایشی کمیک و به شدت عقب مانده است. عقده های فروکوفته ای را عیان میکند که او چه شتاب هیستریک و عصبی برای تمرین و قاپیدن ابتذال های مرسوم در دنیای سیاست بازان را دارد، خصوصیتی که همواره با آن تداعی شده است. اما این انتخاب خود اوست ، او به این متعلق است ، از روزگاران دور تصمیم گرفته که "خوب نماند" . بر او نباید خرده گرفت. خیلی وقت است که در دنده خلاص گذاشته و قید "همه چیز" را زده است. از اینکه کندخای اطاق شکنجه زندان ترکیه می شود( مراجعه کنید به به بسوی سوسیالیسم دوره جدید) تا حمله نظامی به اردوگاه حکا، از دوستی با سازگارا تا عجین شدن با سیاستهای راست و مافیائی، از تحریف بدیهیات تاریخ چهل سال اخیر تا مدافع و فعال شدن سیاست راه حل آمریکایی مسئله کرد. از طرح کودتا علیه ابراهیم علیزاده دبیر اول حکا تا ارسال پیام تسلیت به خانواده منتظری و مواضعی دیگر از این دست.

او دنیای آرزوهایش را دنبال میکند و عصبی و چهار نعل تلاش میکند که شیوه بازی رئیس جمهور شدن را تمرین کند، اگر هم نشد لاقفل با این پیش پرده ها دلی از عزا بدر آورد ، چه کسی میداند فردا چه کسانی صدای مرغان و آواز گنجشکان را ، سحر گاه روز بعد نخواهند شنید. عمری هم باقی بود ، چه خوب که با برنامه و آمادگی برایش کار کرده است.

قرار است در این نمایش مشعل ، جامانه دور کردن، رژه روی فرش قرمز ، اسکورت و "نوروز" دل ها را چنان بر بایند و عقل ها را فلج کنند که کسی متوجه سکوت تایید آمیز او در مقابل قصابی و لت و پار شدن "گه له که مان" ( آنگونه که خودش از مردم کورد نام میبرد) عفرین به دست فاشیسم جریان آوردوغان نشود. آیا این چیز عجیبی است؟ آیا این شعبده بازی حرفه ای است ؟به هیچوجه . او می داند که برای رژه های بزرگتر و رسمی تر در آینده با این نوع از سیاست کردن ، کفایت و مطلوبیت اش را نشان میدهد. کما اینکه رابطه تنگاتنگ اش با خانواده بارزانی و هم سیاست شدن با آنها امروز این رژه اشرافی را میسر کرده است. رژه ای که در نظر او سکوی پرتاب برای آینده بر روی فرش های بزرگتر و دراز تر است. ولی نه پهن تر!! با این همه به نظر میرسد که نباید زیاد به او پرداخت ، وقت کثی است . اگر چه گهگاه لازم میشود. یک جریان مدرن و جدی باید خود را به خود رهایی و خود آگاهی اجتماعی انسانهای موضوع کارش اختصاص دهد.

## اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند (قرآن را به زبان مادری بخوانید)

سهراب کرمانشاهی

(سوره بقره)، (آیات ۱۲۴ و ۱۲۵): "بیادآرهنگامی که خداوند ابراهیم را باموری چند امتحان فرمود و او همه را بجای آورد خداوند بدو گفت من تو را به پیشوایی خلق برگزینم ابراهیم عرض کرد این پیشوایی را به فرزندان من نیز عطا فرمای؟ فرمود که عهد من هرگز به مردم ستمکار نخواهد رسید. و بیادآرهنگامی که قرار دادیم خانه کعبه را محل امن (و مرجع امر دین خلق) و دستور داده شد که مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهید و از ابراهیم و فرزندش اسماعیل پیمان گرفتیم که حرم خدارا از هر یلیدی پاکیزه دارید برای اینکه اهل ایمان بطواف و اعتکاف و در آن نماز و طاعت خدا بجای آرند"

نیروی مافوق ابراهیم از آزمون ورودی گرفت اما این نیروی تخیلی فقط از راه تقابل و روبروشدن بامور به پیشوایی برگزیده شد دوجواز پیامبری خود را دریافت کرد. چقدر ساده و بی آرایش! ای کاش پیامبر اعظم از طریق پندار و عمل کردش نسبت به هم نوع برگزیده میشد، و جالبتر اینکه ابراهیم از روی زیاده خواهی تقاضای رهبری وراثتی بعد از خود را دارد، و نیروی برتر در جواب ابراهیم میگوید که من تعهدی نسبت به مردم ستمکار ندارم، در واقع اینجا مشخص نیست که چرا نیروی برتر ساختگی ابراهیم چنین حرفی زده و ربط این پاسخ به پرسش ابراهیم چیست؟! واقعا نویسنده خود هم نمیداند که چه چیزی را نگاشته و چه هدفی را دنبال میکند!!

(آیه ۱۲۶): "و چون ابراهیم عرض کرد پروردگارا این شهر را محل امن و آسایش قرار ده و روزی اهلش را که بخدا و روز قیامت ایمان آورند فراوان گردان و فرمود هر که با وجود این نعمت سپاس نگذاشت و راه کفر بپیمود گرچه او را در دنیا اندکی بهره مند کنم لیکن در آخرت ناچارش معذب باشم دوزخ گردانم که مکان سخت ناگوار است"

تمامی ادیان دست دوم و دست چندی همیشه برای تحکیم و استحکام خود از ادیان پیش از خود در جهت استمرار دیکتاتوری و استبداد نوین دست به چنین ترفندهایی زده اند و این مختص به اسلام نیست، در ثانی اگر ابراهیم آنچنان که شما میگویید از موضع قدرت عقلانی و توانایی معنوی برخوردار بود دیگر نیازی به خلق ادیان دروغین و فاسد بعد از خود را نداشت و میتوانست تمامی جامعه بشری را همراه و همگام خود سازد

(آیات ۱۲۷ و ۱۲۸): "و تفتیکه ابراهیم و اسمعیل دیوارهای خانه مکه را بر افراشتند و عرض کردند پروردگارا این خدمت از ما قبول فرما تویی که دعای خلق را اجابت کنی و به اسرار همه دانایی. ابراهیم و اسماعیل عرض کردند پروردگارا دل ما را تسلیم خود گردان و فرزندان ما را هم به تسلیم و رضای خود بدار و راه پرستش و طاعت را بنا بر ما و بر ما وظیفه بندگی را سهل و آسان گیر که تنها تویی بخشنده و مهربان"

نویسنده کتاب جهل و خرافه بازی برکی تمام با توجه به پرداختن ساختن سلول انفرادی نیروی برتر و چاپلوسی و تملق باقی بی حد اشاره ای به تسلیم شدن در برابر نیروی ساختگی ابراهیم را دارد و میخواهد با جانداختن و اژه اسلام در تفکر اذهان عمومی مردم را آماده پذیرش و قبول بی چون و چرای دین ساختگی و استبدادی راداشته باشد. از طرفی پروردگار بخشنده و مهربان است و از طرفی خواهان سلطه بر انسانها در جهت تسلیم و برده داریست، و از سویی اگر محنت و ستم بر او روا داشت حکمت است!! (آیات ۱۲۹ و ۱۳۰): "پروردگارا فرزندان ما را شایسته آن گردان که برانگیزی از میان آنان رسولی که بر مردم تلاوت آیات تو کند و آنان را علم کتاب و حکمت بیاموزد و روانشان را از هر زشتی پاک و منزه سازد تویی که هر کار خواهی بر آن قدرت و علم کامل داری، و هیچکس از آیین پاک ابراهیم روی نگرداند بجز مردم بیخرد، زیرا ما ابراهیم را در دنیا بشرف رسالت برگزیدیم و در آخرت هم از شایستگان است"

خدا بر ابراهیم معلوم نیست که افسانه باشد یا واقعی، دوم اینکه آیین وحشت و غضب بدنیا را هیست که دروغی بزرگ را بر زبان کسی بیندازد که خداوهم اکنون نه پیروی دارد و نه کتابی به صورت مستند از او بر جای مانده، هر چند که کتاب قرآن هم دلیل خرافه گویی، دروغ گویی، جهالت، توهم و ترس پاستوریزه شده، حال ببینید که اصل قرآن چه بوده!! سپس پاک بودن دین ابراهیم را تایید میکنید؟ و اگر اینگونه بود مطمئن باشی دشریت برای دین ابراهیم سر تعظیم فرو می آورد و دیگر ادیانی مانند یهود مسیح و اسلام از او زاده نمیشدند!!

(آیات ۱۳۱ و ۱۳۲): "انگاه گرامی گردید که خداوند به او فرمود ای ابراهیم سربه فرمان خدا فرود آور عرض کرد مطیع فرمانم. ابراهیم و یعقوب به فرزندان خود راجع به تسلیم بودن در فرمان خدا سفارش و توصیه نمودند که ای فرزندان خدا شما را به آیین پاک برگزید پیوسته از آن آیین پیروی کنید و تاگاه جان سپردن الا تسلیم رضای خدا نباشید"

سرب فرمان خدا فرود آوردن بمعنای آنست که نویسنده بتواند از جامعه بشری اسیر و برده بسازد و همه را مطیع بی قید و شرط حاکمان مستبدین کند، مجدداً آیه ۱۲۸ را به گونه ایی دیگر در آیه ۳۲ تکرار نموده تا بتواند کلمه تسلیم و اسلام را ملکه ذهن افراد کند.

(آیه ۱۳۳): "شما کی و کجا بودید هنگامی که یعقوب را مرگ در رسید و به فرزندان خود گفت که شما پس از مرگ من که را میپرستید گفتند خدای تو را و خدای پدران تو ابراهیم و اسماعیل و اسحق را که معبودیگانه است و ما مطیع فرمان اویم"

آیا منظور کی و کجا بودید همین مردمی هستند که تازه به اسلام گرویده اند و یا کسی دیگر؟ معلوم است که شما وقتی سخن از چند هزار سال پیش از خود میکنید که نه شناسنامه ایی دارد و نه سند محکمی در دست دارید که اثبات نوشته های شما باشد مشخصاً دروغی بیش نیست، دو ماچرا مبالغه میکنید، اگر شما ابراهیم را به قطع یقین قبول دارید چرا اصل کتاب او را پیروی نمیکنید؟ قرآن هیچکدام از کتب انجیل و تورات را قبول ندارد و هر دوی آنها قرآن را، آنوقت چگونه میتوان یکی از همین ادیان را پایه و اساس قانون بشریت نامید... ادامه دارد.

زنده باد کارگر - نابود باد حاکمیت دینی - زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی ایران

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! زنده باد آزادی، برابری، سوسیالیسم!

**نشریه شنبه ها****منتشر میشود**

روزهای شنبه هر هفته نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه روزهای پنجشنبه هر هفته است.

**موازین انتشار****مقالات در نشریه****سوسیالیسم امروز:**

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!  
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.  
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.  
حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

[S\\_zijji@yahoo.se](mailto:S_zijji@yahoo.se)

**به ما کمک مالی کنید**

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN  
SEB BANK  
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.

**در اولین روز سال نو کابل شاهد خونبارترین حمله انتحاری شد**

ماریا یوسفزی

بهارنوسال نو همه دوستان مبارک!

میله نوروز در افغانستان و سایر کشور های دیگر با اولین روز سال نو قدامت تاریخی و عنعنوی دارد که همه ساله مردم افغانستان این روز اول سال را با پوشیدن لباس های محلی و تزئین دسترخوان با هفت نوع غذا و هفت نوع میوه و هفت سین رنگین میسازند و بادوستان و اقارب و خاتواده های خود این خوشی را شادباش میگویند و تجلیل میکنند. اما بعضی ملا های خرافاتی اسلامی تجلیل این روز حرام میدانند و کشتن ادم ها برای شان حلال و تجلیل از نوروز حرام تبلیغ میکنند.

متأسفانه در دناکتر از اینکه با وجود شرایط ناامن و مداخلات کشور های بیرونی دست درازی امپریالیزم غرب مردم ما برای زنده نگهداشتن فرهنگ و کلتور خود نوروز را جشن میگیرند از روز های ملی و عنعنوی خود تجلیل بعمل میاورند اما دشمن انسان و انسانیت مذکوران دینی و تجاری این ملت نمیگذارد و با حملات خونین این روز اول سال را با کشتن دهها مرد و زن جوان و کودک جشن و شادی مانرا به غم و اندوه مبدل کردند. که ما به شدید ترین الفاظ این عمل وحشیانه این بزدلان را تقبیح میکنیم و لعنت می فرستیم. ضمن ابراز تسلیت به بازمانده گان این قربانیان برای زخمیان این حادثه ارزوی سلامتی میکنم.

با تأسف که دولت پوشالی و وحشت ملی در تأمین امنیت شهروندانش با بارانش ناکام ماندند و یا اینکه به این نوع حملات و کشتار ها در مراسم خوشی و مذهبی دست دارند و سازمان دهی شده با داران شان است.

وزارت صحت افغانستان اعلام کرده که در این حمله ۳۲ تن جان باخته و ۹۰ تن زخمی شده اند. که فرد انتحاری پیاده و جلیقه انفجاری همراهش بوده در میان مردم منفجر کرده است این حادثه حوالی ساعت ۱۲ ظهر نوروز در بین مردم در نزدیکی کارته سخی خیابان دانشگاه کابل بوقوع پیوست. که گروه ادم خور داعش مسولیت این حمله را بدوش گرفت.

ملت از دیخواه افغانستان با وجود از دست دادن جوان های مان نا امید نباشیم برای از بین بردن این نجس های اسلامی تاریخ به پا برخیزیم برای نابودی این باند های ضد بشری بر زمین و برای آزادی و برابری و آرامش کشور و خود دست به همدیگر دهیم که برای نسل بعدی این ریشه سرطانی سرایت

برای برقراری یک جامعه نوین باید بپا خیزیم! بدون توسل به قهر انقلابی، بدون دست داشتن پرچم سوسیالیستی، بدون تحزب کمونیستی طبقه کارگر، بدون به میدان آمدن قربانیان این نظام ضد انسانی، بدون اقدام ملیتانت و مسلحانه، نابودی و کنار زدن نظام سرمایه داری و در راس آن نابودی نظام جانی اسلامی ممکن نیست. (سلام زیجی)

**اخراج و بیکار سازی موقوف!**